سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲ ■ ۴ جب ۱۴۴۵ ■ سال سی‌ودوم ■ شماره ۹۰۰۳

همشهری دیپلماتیک

عکس: همشهری/ علیرضا طهماسبی

در گفت‌وگو با امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل سیاسی بررسی شد

اتاق عملیات مشترک واشنگتن-تل‌آویو در جنگ غزه

چرا آمریکا از اسرائیل حمایت می‌کند؟

گفت‌وگو
رضا عمویی
روزنامه‌نگار

کارشناس مسائل آمریکا علت حمایت آمریکا از اسرائیل را صرف‌نظر از مسائل سیاسی و امنیتی، مسئله مهم اعتقادی و مذهبی می‌داند. جنگ در غزه اگرچه با تهاجم رژیم صهیونیستی جریان دارد، اما پشت صحنه جنگ غزه نام دیگری شنیده می‌شود: آمریکا. بسیاری آمریکا را صحنه‌گردان اصلی جنگ غزه می‌دانند و معتقدند که فرماندهی جنگ علیه غزه در اتاق مشترک آمریکا و اسرائیل قرار دارد. در ارتباط با روابط آمریکا و اسرائیل و همچنین نقش آمریکا در جنگ غزه، روزنامه همشهری گفت‌وگویی با امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا و استاد دانشگاه داشته و نظرات وی را درباره نقش آمریکا در جنگ غزه جویا شده‌ایم. مشروح این گفت‌وگو به شرح ذیل است:

به تازگی روزنامه نیویورک تایمز از تنش لفظی در گفت‌وگوی نتانیاهو و بایدن به‌عنوان سران آمریکا و رژیم صهیونیستی پرده برداشت. آیا ما شاهد تنش در روابط آمریکا و اسرائیل هستیم؟

آمریکا و اسرائیل در میان همه کشورها نزدیک‌ترین روابط را دارند، اما این به‌معنای نبود اختلاف میان دو طرف نیست و این اختلافات نیز صرفا به حمله ۷ اکتبر مربوط نیست، بلکه اختلافات دوطرف، پیشینه تاریخی دارد. تقریبا از یک دهه پس از تاسیس رژیم صهیونیستی ما شاهد شکل‌گیری این اختلافات هستیم. ایالات متحده به‌ویژه دمکرات‌ها، جریان لیبرال آمریکا و دولت‌های دمکرات مانند دولت بایدن و اوباما درباره آینده اسرائیل و فلسطین با جریان راست افراطی درون اسرائیل، احزاب مذهبی و محافظه‌کاران اسرائیلی اختلاف‌نظر دارند. این اختلاف هم ناشی از این است که دمکرات‌ها معتقدند امنیت اسرائیل زمانی تامین می‌شود که در کنار اسرائیل، کشور دیگری به نام فلسطین با قرارداد صلح وجود داشته باشد؛ مانند همان قراردادی که اسرائیل با اردن بست و این چیزی است که دمکرات‌ها و لیبرال‌های آمریکا می‌خواهند. جریان راست، رادیکال، افراطی و مذهبی در اسرائیل که در حال حاضر در کابینه نتانیاهو قدرت را در دست دارند، اما با راه‌حل دوکشوری دمکرات‌های آمریکا مخالفند و معتقدند که راه‌حل دوکشوری، امنیت اسرائیل را تامین نمی‌کند و حتی برخی از آنان مانند وزیر دارایی یا وزیر امنیت رژیم صهیونیستی خواستار اخراج فلسطینی‌ها و اشغال دوباره نوار غزه و اشغال کامل کرانه باختری هستند. اینجاست که اختلاف اصلی میان دولت بایدن و نتانیاهو پیش می‌آید. همین اختلاف را در زمان اوباما هم داشتیم، اما این اختلاف به‌قدری نیست که آمریکا پشت اسرائیل را خالی کند و پول و تسلیحات به اسرائیل ندهد. از سوی دیگر درباره فردای پایان جنگ غزه نیز میان واشنگتن و تل‌آویو اختلاف‌نظر وجود دارد و در حالی که تیم نتانیاهو به‌دنبال ادامه اشغال غزه هستند، دولت بایدن از این راه‌حل برای غزه حمایت نمی‌کند و خواستار خروج نظامیان اسرائیلی از غزه پس از پایان جنگ است. در این شرایط نتانیاهو و وزرایش امیدوارند که جنگ در غزه آنقدر طول بکشد که یا بایدن کوتاه بیاید یا دولت جدید ترامپ در کاخ سفید قدرت را به‌دست گیرد.

به حمایت آمریکا از اسرائیل اشاره کردید، به‌طور کلی نقش آمریکا را در تحولات فعلی فلسطین و جنگ غزه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اسرائیل بدون کمک آمریکا، اسرائیل نیست. اسرائیل نه از نظر وسعت و نه جمعیت فاقد شاخصه‌های لازم برای بقا در شرایط بحران است و اگر حمایت‌های آمریکا نباشد، اسرائیل به‌شدت ضربه خواهد خورد. این را هم مقامات آمریکایی و هم مقامات اسرائیلی بارها تکرار کرده و گفته‌اند که تل‌آویو بدون حمایت واشنگتن دچار مشکلات بزرگی خواهد شد. لذا وقتی حمله ۷ اکتبر اتفاق افتاد، بایدن با وجود اختلافاتی که با نتانیاهو دارد، اما خود را متعهد دید که به کمک اسرائیل بیاید و از شکست، فروپاشی و نابودی اسرائیل جلوگیری کند. چند روز پس از حمله ۷ اکتبر، بایدن زیر حملات موشکی حماس به تل‌آویو سفر کرد و آمریکا ناوهای هواپیمابر خود را برای هشدار به دشمنان و مخالفان اسرائیل به منطقه ارسال کرد تا نشان دهد که هر کس وارد جنگ شود، با واکنش آمریکا مواجه خواهد شد. آمریکا کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اسرائیل را هم افزایش می‌دهد، قطعنامه‌های ضداسرائیلی را وتو می‌کند و فرماندهان ارتش آمریکا به‌عنوان فرماندهان میدانی و چریکی که در جنگ موصل عراق با داعش جنگیده بودند، در حال حاضر به منطقه اعزام شده‌اند تا به اسرائیل کمک کنند. گفته می‌شود که در جنگ غزه اتاق جنگ مشترکی با حضور فرماندهان آمریکایی و اسرائیلی وجود دارد و جنگ را فرماندهان آمریکایی و اسرائیلی به‌صورت مشترک با هم اداره می‌کنند. لذا ما با یک جنگ نیابتی مواجه هستیم که آمریکا اگرچه ورود مستقیم به جنگ غزه ندارد، اما در غزه ایفای نقش می‌کند. در واقع نقش آمریکا در جنگ غزه از سطح معمول نیابتی در جنگ‌های بین‌المللی فراتر رفته است و به‌صورت مستقیم و رسمی فرماندهان آمریکایی در کنار فرماندهان اسرائیلی در حال اداره جنگ هستند. البته اختلاف‌نظرهایی نیز وجود دارد، اما در کلیت، راهبرد و استراتژی به‌ویژه درباره نابودی حماس هم آمریکا و هم اسرائیل اشتراک‌نظر و هدف یکسان دارند؛ هرچند اینکه اسرائیل بتواند حماس را نابود کند یا خیر، بحث دیگری است.

اهمیت اسرائیل برای آمریکا امنیتی نیست، اقتصادی و سیاسی هم نیست. اهمیت اسرائیل برای آمریکا یک موضوع اعتقادی، دینی، ایمانی و مذهبی است

چندی پیش در ابتدای جنگ غزه، بایدن در سفر به تل‌آویو گفت اگر اسرائیل وجود نداشت، ما اسرائیل را ایجاد می‌کردیم؛ واقعا اسرائیل چه اهمیتی برای آمریکا دارد؟

اهمیت اسرائیل برای آمریکا امنیتی نیست، اقتصادی و سیاسی هم نیست. اهمیت اسرائیل برای آمریکا یک موضوع اعتقادی، دینی، ایمانی و مذهبی است. گفته می‌شود که در آمریکا حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون مسیحی هستند که معتقدند عیسی مسیح زمانی ظهور می‌کند که یکسری اتفاقات در غرب آسیا و خاورمیانه امروزی از طریق یهودی‌ها بیفتد و این افراد در واقع کسانی هستند که به اوانجلیست‌ها معروفند. اوانجلیست‌ها معتقدند که جنگ بزرگی میان یهودیان و همسایگان عرب و مسلمان درخواهد گرفت. در این جنگ مسجدالاقصی و قبه‌الصخره نابود می‌شود، معبد سلیمان نبی در همان نقطه ساخته خواهد شد، جنگ آخرالزمانی شکل می‌گیرد و عیسی مسیح ظهور خواهد کرد. در این زمان هزارسال حکومت مسیح ادامه پیدا می‌کند و در پایان حکومت هزارساله مسیح، ما به آخرالزمان می‌رسیم و دنیا به پایان می‌رسد. بنابراین اوانجلیست‌ها بازگشت عیسی مسیح را به یهودیان، سرنوشت فلسطین و اسرائیل گره می‌زنند. بنابراین ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که برخی مسیحی‌ها بسیار متعصب‌تر از یهودیان به‌دنبال حفظ موجودیت اسرائیل هستند. این مسیحیان تشکیل اسرائیل را وعده خداوند می‌دانند که در کتب مقدس به قوم یهود وعده داده شده است. آقای بایدن سال ۲۰۰۸ مصاحبه کرد و گفت من مسیحی هستم، اما صهیونیست هم هستم. این تفکرات اوانجلیستی در پروتستان‌ها قوی‌تر از کاتولیک‌هاست، اما بایدن با وجود آنکه کاتولیک است، می‌گوید که من مسیحی هستم، یهودی نیستم، اما صهیونیسم هم هستم و برای صهیونیست‌بودن نیازی نیست که کسی یهودی باشد. این اعتقاد اوانجلیست‌های آمریکایی است. در حال حاضر بخشی از مردم آمریکا که اهل سیاست هم نیستند، اما نگاه اعتقادی دارند و وجود اسرائیل را برای سرنوشت جهان حیاتی می‌دانند، تا جایی که رئیس مجلس آمریکا می‌گوید خداوند به هر کسی که به اسرائیل کمک کند، برکت خواهد داد. رئیس مجلس آمریکا از کمک به آمریکا حرفی نمی‌زند، بلکه می‌گوید کمک به اسرائیل باعث برکت می‌شود. این را باید کنار این بحث بگذاریم که تاسیس اسرائیل آخرین مرحله پاکسازی تمدن مسیحی از وجود یهودیان بود؛ یعنی ۲ هزار سال مسیحیان جنگیدند که یهودیان را از اروپا پاک کنند و جنگ‌های صورت‌گرفته و هولوکاست (با هر آمار تلفاتی) و... نشانه تلاش اروپا برای خلاص‌شدن از یهودیان بود. در واقع تمدن مسیحی وقتی که دید نمی‌تواند یهودیان را بکشد، تصمیم گرفت که با تشکیل یک کشور، یهودیان را از اروپا خارج کند. لذا پولدارهای یهودی به آمریکا رفتند و یهودیان بی‌پول سوار بر قایق مهاجران (مثل مهاجران امروز سوار بر قایق) روانه فلسطین شدند. لذا اگر اسرائیل وجود نداشته باشد، یعنی یهودیان دوباره باید برگردند به حوزه تمدن مسیحی در اروپا و جنگ مسیحی و یهودی بار دیگر شروع خواهد شد. لذا غربی‌ها و به‌ویژه اروپایی‌ها با هدف حفظ اسرائیل هر کاری را انجام می‌دهند، نه به این دلیل که اسرائیل دارای دمکراسی و ارزش‌های مشترک با غرب و پیشرفته است، بلکه به این دلیل که از منظر اروپایی‌ها فقدان اسرائیل یعنی شروع دوباره دعوای مسیحی و یهودی و از منظر آمریکایی‌ها فقدان اسرائیل یعنی به عقب‌افتادن بازگشت عیسی مسیح. برای همین غربی‌ها برای حفظ اسرائیل بسیار مصر هستند. در آمریکا فردی به نام «پترا پرسون» از رهبران اوانجلیست سال ۲۰۰۴ که اسرائیل در ۲ دوره شارون از غزه عقب‌نشینی کرد، نزد او رفت و گفت که شما حق نداشتید از غزه خارج شوید، چون خروج شما بازگشت عیسی مسیح را به تأخیر می‌اندازد. لذا این فرد آمریکایی حتی از آریل شارون هم صهیونیست‌تر و تندروتر بود. از این منظر حفظ اسرائیل برای اروپا و آمریکا بسیار مهم است. در عین حال مباحث امنیتی، اقتصادی و سیاسی و... نیز در حمایت آمریکا از اسرائیل مهم است، اما مهم‌تر از این موضوعات، مسائل عقیدتی است که حفظ اسرائیل را برای اروپا و آمریکا مهم کرده است.

مکث

ناتوانی آمریکا در برابر ایران

گفته شده روزگاری در آمریکا، رؤسای جمهور فقط با یک تلفن به رئیس سی.آی.ای، یک دولت را در آمریکای لاتین سرنگون می‌کردند، اما آمریکای اکنون چند سال است که می‌خواهد دولت ونزوئلا را سرنگون کند و اگرچه حتی برای ونزوئلا یک رئیس‌جمهور خودخوانده تعیین کرد، اما واشنگتن در نهایت نتوانست دولت مادورو در ونزوئلا را سرنگون سازد. بی‌تردید آمریکا در برابر ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با چالش بیشتری همراه است، چون ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای و دارای توانایی اقتصادی شناخته می‌شود. آمریکا تلاش دارد که مانع اقدامات ایران شود، اما توانش را ندارد. این در حالی است که بسیاری از مردم آمریکا هنوز از آمریکا یک درک سنتی دارند و کشورشان را همان کشوری می‌دانند که دولت‌ها را به‌راحتی سرنگون می‌کند و انتظار سختگیری بیشتر واشنگتن در برابر تهران را دارند، اما واقعا آمریکا توان بیشتری برای فشار بیشتر بر ایران ندارد. به همین خاطر نیز در داخل آمریکا، شهروندان آمریکایی دولت‌های این کشور را در قبال ایران بی‌عرضه و کم‌جرأت می‌دانند، اما واقعیت آن است که این ضعف ناشی از شخصیت‌های دولت‌ها و رؤسای جمهور نیست، بلکه ضعف آمریکا ناشی از کاهش توان اثرگذاری جهانی در قبال بسیاری از کشورها از جمله ایران است. آمریکای امروز دیگر آن آمریکای دهه ۹۰ نیست که با اراده بتواند دولت‌ها را سرنگون کند، چون رؤسای جمهور براساس توان ملی عمل می‌کنند و امروزه توان ملی آمریکا در حدی نیست که بتواند هر کاری را در سطح جهانی انجام دهد. همه ارزیابی‌ها نیز حاکی از آن است که توان ملی آمریکا در آینده نیز بیشتر تحلیل خواهد رفت و احتمالا رؤسای جمهور آتی آمریکا از دولت امروزی منفعل‌تر خواهند بود.

دیدگاه

سیاست خارجی و انتخابات

به‌طور کلی مسائل سیاست خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخابات‌های آمریکا ندارد و شهروندان آمریکایی بیشتر به مسائل اقتصادی، امنیت داخلی، کسب‌وکارها و مسائل اجتماعی داخلی خود توجه می‌کنند. البته اگر پیامدهای سیاست خارجی بر زندگی روزمره مردم آمریکا تأثیر مستقیم بگذارد، اینگونه مسائل به رقابت‌های انتخاباتی وارد می‌شود؛ مثل جنگ عراق یا ویتنام که آمریکا در آن کشته زیادی داد یا نوع مناسبات با چین که روی فعالیت اقتصادی بسیاری از شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

جنگ غزه زیر ذره‌بین

جنگ غزه موضوع بینابینی است؛ یعنی از نظر جغرافیایی جنگ غزه یک سر دیگر دنیاست و ارتباطی با زندگی روزمره مردم آمریکا ندارد، اما همزمان حیات و موجودیت و سرنوشت اسرائیل برای ۸۰ میلیون اوانجلیست بسیار مهم است و هرچه دولت بایدن در قبال اسرائیل انجام دهد، از جانب حامیان عقیدتی اسرائیل زیر ذره‌بین است.

انتقادات سیاسی

گروه‌هایی در آمریکا معتقدند که دولت بایدن به‌اندازه کافی از نتانیاهو حمایت نمی‌کند و دست نتانیاهو را در غزه بسته است. لیندسی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه سنا از بایدن انتقاد می‌کند که چرا دولت آمریکا به نتانیاهو فشار وارد می‌کند؟ یا سایر انتقاداتی که از دولت بایدن درباره عدم حمایت کافی از دولت نتانیاهو مطرح می‌شود. باید توجه داشت که این انتقادات بیشتر جنبه سیاسی و حزبی به خود می‌گیرد و هر دو حزب به‌شدت پشت سر جنگ اسرائیل در غزه هستند.

خیانت بایدن به مسلمانان

با این حال، گروهی هم در آمریکا معتقدند که بایدن به حقوق بشر و آرمان‌های دمکراسی خیانت می‌کند، به‌ویژه مسلمانان انتقادات زیادی را متوجه بایدن می‌سازند و معتقدند که دولت بایدن از مسلمانان رأی گرفت ولی اکنون در جریان جنگ غزه به مسلمانان آمریکا خیانت کرد. یا حتی گروهی از یهودیان ضدصهیونیستی مخالف حمایت آمریکا از جنگ در غزه هستند. مجموع این شرایط باعث شکل‌گیری ۲ گروه از مخالفان متضاد در برابر بایدن شده است و هر کدام از گروه‌های مخالف از زاویه دید خود به جنگ غزه نگاه می‌کنند.

پشتوانه اعتقادی در میان آمریکایی‌ها

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل آمریکا معتقد است آمریکایی‌های زیادی دفاع از اسرائیل را برخود واجب می‌دانند. او در این‌باره می‌گوید: بزرگ‌ترین سرمایه اسرائیل در آمریکا نه پول لابی، نه نخبه‌ها، نه ثروت یهودی و نه دانشگاه‌هاست، بلکه این عقبه قدرتمند اعتقادات آمریکایی‌هاست که برای حفظ نفوذ اسرائیل در آمریکا مهم است. اگر پول را در حفظ نفوذ اسرائیل در آمریکا مهم بدانیم، اعراب هم پول و ثروت زیادی در آمریکا دارند، اما نفوذشان در آمریکا به اندازه اسرائیل نیست. اگر نخبگان اسرائیل را در آمریکا مهم بدانیم، خب نخبگان هندی و چینی نیز جمعیت بسیار گسترده‌ای در نهادهای آمریکایی دارند یا اروپایی‌ها نفوذ گسترده‌ای در نهادهای دانشگاهی و سیاسی آمریکا دارند، اما موقعیت اسرائیل را در آمریکا ندارند. در واقع چیزی که هیچ‌کدام از ملل دیگر در آمریکا ندارند، پشتوانه قدرتمند اعتقادی در میان آمریکایی‌هاست. حدود ۸۰ میلیون نفر از جمعیت ۳۰۰ میلیونی در آمریکا به‌صورت اعتقادی و رگ‌گردنی خودشان را ملزم به حمایت از اسرائیل می‌دانند. این جمعیت حاضر است همه چیزش را بدهد، اما اسرائیل حفظ شود. اگر به نقشه آمریکا نگاه کنیم، یک خط فرضی با نام کمربند انجیلی وجود دارد که پایین این خط ایالت‌هایی مانند جورجیا، تگزاس، فلوریدا و آلاباما هستند که شامل اوانجلیست‌هایی است که اعتقاد بسیار مهمی برای حفظ اسرائیل دارند و کلیساهای بسیار فعالی دارند. همین چندوقت پیش واعظی از اوانجلیست‌ها با نام «جیک فالور» فوت کرد که کشیش بود و کلیسای بزرگی داشته که آن را تبدیل به ایستگاه رادیویی و سپس استودیوی تلویزیونی کرده بود. براساس آمار موجود، برنامه این کشیش اوانجلیست هفته‌ای ۲۵ میلیون شنونده و بیننده ثابت در آمریکا داشته که عدد بسیار بزرگی است. این کشیش نه سلبریتی بود، نه آکتور سینما و فقط درباره خدا و آخرالزمان و شیطان و شر صحبت می‌کرد، اما ۲۵ میلیون نفر آمریکایی برنامه‌های او را فعالانه دنبال می‌کردند. در این شرایط هیچ‌کس در آمریکا جرأت ندارد که قدمی بردارد که متهم به این شود که بازگشت عیسی مسیح را به تأخیر انداخته است. لذا جایگاه اسرائیل در آمریکا ریشه در این اعتقادات دارد نه صرفا لابیست‌ها یا ثروت و پول. گفته می‌شود جورج دبلیو بوش در سال ۲۰۰۰ با کمک همین اوانجلیست‌ها به قدرت رسیده و جریان لیبرال در آمریکا نیز جرأت مخالفت با اوانجلیست‌ها را ندارد و حتی قدرت آیپک ریشه در اعتقادات اوانجلیستی آمریکایی‌ها دارد و آیپک، نشأت گرفته از اعتقادات اوانجلیستی در آمریکاست. وگرنه اعراب، ارامنه، چینی‌ها و دیگران هم در آمریکا لابی دارند، اما لابی هیچ‌کدام ریشه در اعتقادات قوی مانند صهیونیست‌ها ندارد و به همین خاطر نیز بایدن می‌گوید که یهودی نیست، اما صهیونیست است؛ چون معتقد است که حمایت از صهیونیست به‌معنای حمایت از دین و ایمان است.

ایجاد سپر امنیتی برای اسرائیل

آمریکا با اعزام ناو جنرال فورد به شرق مدیترانه، به‌دنبال حمایت از اسرائیل در ابتدای شروع جنگ ۷ اکتبر بود و هدفش ایجاد سپر امنیتی برای اسرائیل بود تا دیگر بازیگران منطقه‌ای وارد درگیری با اسرائیل نشوند. آمریکا معتقد است که بعد از ۳ ماه جنگ، درگیری و کشتار سنگین در غزه، اسرائیل باید به سمت جنگ کم‌شدت و هدفمند حرکت کند. از حدود یک ماه پس از جنگ، زمزمه تغییر شیوه جنگ اسرائیل در غزه از سوی آنتونی بلینکن، وزیرخارجه آمریکا، لوید آستین، وزیر دفاع و دیگر مقامات کاخ سفید مطرح بود و هر کدام با ادبیات خاص خود از اسرائیل خواستار حرکت به سمت جنگ کم‌شدت بودند. در این روش به‌جای بمباران گسترده با بمب‌های سنگرشکن، اهداف خاصی در غزه هدف قرار می‌گیرد و لذا آمریکا به‌دنبال توقف جنگ در غزه نیست، بلکه خواستار تغییر شیوه جنگ در غزه است. در واقع آمریکا نیز می‌داند که گسترش تنش در منطقه باعث تهدید منافع واشنگتن خواهد شد و از این‌رو واشنگتن به‌دنبال افزایش تنش در منطقه نیست.

البته رفتن ناو جنرال فورد با آمدن ناو دیگری همزمان شده است و رفت‌وآمد ناوهای آمریکایی در منطقه همواره وجود داشته است.

در مقاطعی این رفت‌وآمدها در رسانه‌ها برجسته می‌شود و در مواردی نیز این رفت‌وآمدها چندان به سطح رسانه‌ها نمی‌رسد. در واقع آمریکا همواره به‌دنبال این است که قدرت بازدارندگی خود را در منطقه حفظ کند.